

هویت پیش از دبستان را دریابیم!

پرواضح است که تحول بنیادین باید از بنیادی‌ترین دوره یعنی اوان کودکی (از کودکی تا پیش از دبستان و بعد دبستان) آغاز شود. این در حالی است که منابع روایی، علمی و همچنین مستندات قانونی به وفور و به‌طور معناداری بر ویژگی‌های سنی و تفاوت‌های خاص در اوان کودکی یا همان دوره پیش از دبستان نسبت به دوره دبستان یا هفت سال دوم، تأکید دارند اما ظاهراً فقط ساختارهای تشکیلاتی و اداری در نظام تعلیم و تربیت ایران مانع تحقق چنین اقدام تحولی و اساسی می‌شود. از آنجا که مخاطبان ارجمند و فرهیخته معمولاً از مستندات دینی و علمی باخبرند، در ادامه برخی مستندات قانونی را به اختصار ارائه می‌نمایم:

● تأکید و تصریح مقام معظم رهبری به تفکیک نمودن جایگاه مهدکودک و پیش‌دبستان در بند دوم سیاست‌های ابلاغی معظم‌له به وزارت آموزش و پرورش و همچنین تأکید بر امر حاکمیتی، به معنای اینکه باید مهدکودک و پیش‌دبستان تحت پوشش و نظارت نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور باشد.

● قانون مجلس شورای اسلامی (تبصره دو ماده یک قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی مصوب ۱۳۹۵) مبنی بر واگذاری محتوای آموزشی و پرورشی ویژه مهدهای کودک و نظارت بر آن، به وزارت آموزش و پرورش

● مدیریت بررسی و نظارت بر تولید محتوای استان‌ها، مراکز و مؤسسات آموزشی توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، در راستای اجرای سیاست واگذاری نقش و مسئولیت

تعلیم و تربیت دوره پیش‌دبستان در ایران با مسائل بسیار مهم و متعددی مواجه است؛ از مسائل روز همچون آگاهی کودکان، خانواده‌ها و مربیان در کسب مهارت‌های لازم برای برخورد با ویروس کرونا گرفته تا مسائل دیگر مانند جایگاه و تثبیت شغلی و حرفه‌ای مربیان یا آموزش‌های اثربخش به والدین کودکان پیش‌دستانی، اما اگر بخواهیم با یک مثال عینی مهم‌ترین مسئله دوره پیش از دبستان در ایران را مطرح کنیم، فردی را در نظر می‌گیریم که بر اثر سانحه دچار جراحات‌های شدید شده و به حالت اغما افتاده است اما در تشخیص فرایند درمان به‌جای اینکه اول او را احیا کنند، بخواهند مزاجش را درمان نمایند.

به‌رغم شعارها و تلاش‌های بعضاً صورت گرفته، در خصوص توجه به جایگاه و اهمیت دوره آینده‌ساز پیش از دبستان، به دلایل اداری و توجیهات تشکیلاتی همچنان شاهد کمرنگ شدن جایگاه این دوره حساس و مهم در ساختار نظام تعلیم و تربیت کشور هستیم. در این میان، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های احتمالی ادغام مدیریت دوره پیش‌دبستان با دوره دبستان است. بدیهی است دوره‌های تحصیلی باید هماهنگ و همسو باشند اما با هویت و مدیریت مستقل بدون تداخل در مأموریت‌ها به وظایف و امور محوله خود برای دستیابی به اهداف خاص هر دوره و سپس اهداف مشترک دوره‌های دیگر بپردازند.

اما اینکه مثلاً دوره پیش از دبستان از نظر ساختار اداری بدنه کارشناسی و نیروی انسانی با دوره دبستان ادغام شود نه تنها منجر به چابک‌سازی نمی‌شود بلکه باعث سنگینی و انباشتگی وظایف و مسئولیت‌های خطیر هر دو دوره در یک مدیریت خواهد بود و این ثمرهای جز بی‌رمق شدن برنامه‌ها و مأموریت‌های دوره پیش از دبستان و از سوی دیگر کند شدن فعالیت‌ها در دوره دبستان نخواهد داشت.





● براساس مستندات دینی، علمی و روان‌شناختی فراوان، اقتضات تربیتی و آموزشی کودکان در هفت سال اول بسیار متفاوت با هفت سال دوم است. از این‌رو، عدم استقلال و ملحق‌بودن آن به دوره دبستان تصمیمی غیرعلمی و غیرحرفه‌ای است و مانند همیشه باعث کمرنگ‌شدن و جدی نگرفتن دورهٔ سرنوشت‌ساز پیش از دبستان می‌شود.

با توجه به مستندات فوق بر مسئولان دغدغه‌مند و دلسوز نسبت به آیندهٔ کشور واجب است که در کیفیت‌بخشی و ارتقای جایگاه و هویت مستقل و تخصصی تعلیم و تربیت کودکان در هفت سال اول (دورهٔ پیش از دبستان) اهتمام عملی ورزند. در غیر این صورت همچنان شاهد پراکندگی برنامه‌ها و محتواهای آموزشی غیرتخصصی در مهدهای کودک و پیش‌دبستانی‌ها خواهیم بود. طبق بررسی‌های میدانی در حوزهٔ مهد‌کودک و به‌ویژه پیش‌دبستان بیش از ده نهاد دولتی و غیردولتی به‌طور علنی و جدی و بدون نظارت یک مدیریت واحد و مستقل، در سراسر کشور فعالیت دارند. امید و انتظار داریم با تدبیری اساسی و جدی بتوانیم آینده‌ای پرفروغ و همسو با آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی برای کودکان این مرز بوم بیافرینیم.

بدانیم که

تحول بنیادین، از بنیادی ترین دوره یعنی دورهٔ پیش از دبستان آغاز می‌شود؛ پس ناگزیریم برای آن تدبیری بیندیشیم.
ان شاءالله

تولید محتوا به استان‌ها (مادهٔ ۵ اساسنامهٔ دورهٔ پیش‌دبستان مصوب ۶۹۹ شورای عالی و ابلاغیهٔ وزارتی ۱۰۱/۱/۱۳۹۴)، که تحقق این مأموریت مهم و اساسی مستلزم توجه جدی به جایگاه دورهٔ پیش‌دبستان در ساختار اداری و حوزهٔ ستادی وزارت آموزش و پرورش و پشتیبانی همه‌جانبه از آن است. زیرا دستیابی به اهداف و آرزوها و تربیت صحیح مبتنی بر اسناد تحولی با پشتیبانی علمی، تربیتی، آموزشی و نظارت کامل بر حسن اجرا و تحقق برنامه‌های استاندارد و مصوب محقق خواهد شد.

● تصریح برنامهٔ درسی ملی (مصوبهٔ شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۱) در بخش تبیین ساختار آموزشی در سند مزبور پیش‌دبستان را به‌عنوان دوره‌ای رسمی (دارای برنامه مصوب، ساختار و جایگاه قانونی و منسجم) و غیراجباری (اما در استان‌های مرزی و محروم با حمایت و پیگیری دولت پوشش حداکثری داشته و در مراکز غیردولتی نیز با آمار قابل توجهی حضور دارند، به‌طوری که همه نوآموزان پیش‌دبستان سراسر کشور مانند دانش‌آموزان دبستانی در سامانه سناد ثبت و پذیرش می‌شوند). لذا اشاعهٔ برنامهٔ درسی دوره و پشتیبانی از آن مستلزم نگاه جدی به جایگاه این دوره در ساختار اداری و آموزشی است.

● مصوبهٔ سال جاری هیئت وزیران (۱۳۹۹/۲/۲۷) مبنی بر تعیین شاخص‌های محتواهای آموزشی و پرورشی و برنامهٔ آموزشی ویژهٔ مهدهای کودک و نظارت بر آن‌ها با اعزام ناظران مجرب و تدوین راهنمای آموزش به مؤسسان و کارکنان مهدهای کودک به‌درستی به عهدهٔ وزارت آموزش و پرورش گذاشته شده است.